

اولین مصاحبه دکتر مصدق

پس از آنکه دکتر مصدق به نخست‌وزیری منصوب گردید، مخبرین داخلی و خارجی مکرر از او تقاضای مصاحبه مطبوعاتی نمودند.

بالاخره دکتر مصدق تصمیم گرفت که این مصاحبه دسته‌جمعی صورت گیرد ولی با قید اینکه بدو مخبرین پیام او را دریافت داشته سپس سئوالات خود را کتباً تسلیم نموده و پاسخ تمام آن سئوالات را یکجا در مجلس که در آن موقع محل سکونت و اقامت شبانه‌روزی نخست‌وزیر بود دریافت دارند.

نخست‌وزیر برای رسانیدن پیام خود به نگارنده مأموریت داد که تمام مخبرین داخلی و خارجی را برای روز ۳۰ اردیبهشت چهار بعد از ظهر در سالن شهرداری تهران دعوت نموده پیام را تسلیم و سئوالات را دریافت کرده آنها را به جنوب شهر تهران و زاغه‌هایی که بی‌شبهت به گور مردگان نداشت راهنمایی نمایم.

روزمعهود عده‌زیادی از خبرنگاران داخلی و خارجی و مخبرین خبرگزاریهای جهان و مدیران جراید به سالن شهرداری حضور یافتند. پس از صرف چای و تسلیم پیام زیر آنها را با خود به جنوب شهر راهنمایی نمودم. منظره جنوب شهر و زاغه‌ها و گودالهایی که عده‌ای در آن زندگی می‌کردند بقدری رقت‌بار بود که همه را تحت تأثیر قرار داد.

بازدید خبرنگاران خارجی و داخلی از جنوب شهر

نقل از شماره ۷۵۳۳ «دنامه اطلاعات روز دوشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۳۰»
«پیام نخست‌وزیر ساعت ۵ بعد از ظهر بوسیله آقای مکی در جلسه مطبوعاتی که با حضور خبرنگاران داخلی و خارجی در سالن شهرداری تشکیل یافت قرائت شد و

متن آن به زبان فارسی میان خبرنگاران داخلی و ترجمه آن به زبانهای فرانسه و انگلیسی میان خبرنگاران خارجی توزیع گردید.

آقای مکی بطورمقدمه اظهارداشت:

ازروزی که آقای دکتر مصدق زمام امور را در دست گرفته اند عده زیادی از خبرنگاران خارجی تقاضای مصاحبه و ملاقات با ایشان را داشته اند معظم له بواسطه گرفتاری و کسالت معذرت خواسته اند تا اینکه در هفته اخیر عده ای از خبرنگاران خارجی سئوالات کتبی نموده اند که آقای نخست وزیر جواب آنرا مرقوم دارند. ایشان نیز قبلا از آقایان خبرنگاران خارجی تقاضا کردند که یکی دو نقطه از جنوب شهر تهران را بازدید کرده سپس به سئوالات آقایان پاسخ دهند و با اشتیاقی که آقای نخست وزیر به ملاقات خبرنگاران داشتند بواسطه گرفتاری و کسالت از حضور در این جلسه معذرت خواستند و به اینجانب مأموریت دادند که پیام ایشان را به خبرنگاران خارجی و داخلی ابلاغ نمایم:»

اینک پیام نخست وزیر

«آقایان خبرنگاران جراید خارجی

تا چند روز قبل که نماینده مردم و در مجلس در صف اقلیت بودم برای رفع بدبختی آنها غیر از آه و ناله کار دیگری نداشتم ولی بعد که در رأس دولت واقع شدم و باید خود چاره جوئی و رفع بدبختی ها را بکنم دستهای بسته و پاهایم را نیز می خواهند طوری ببندند که حتی يك قدم نتوانم حرکت نمایم.

من عار دارم که نخست وزیر مملکتی باشم که قسمتی از نفوس آن در خود پایتخت مثل مردمان ماقبل تاریخ زندگی کنند.

در این چند روز که از ملاقات شما خودداری کردم و بواسطه کسالت قرار شد شما همگی سئوالات خود را بنویسید و من یکمرتبه به تمام آنها جواب دهم مقصودی جز این نبود که قدمی چند بردارم و بتوانم بگویم که مقدمه هر گونه اصلاحات

در این مملکت تهیه شده است ولی متأسفانه دولت دوست و خیرخواه ما مشکلاتی ایجاد کرده اند که آن مقدمه مورد انتظار هنوز فراهم نشده است. اکنون تمامی کتم شما شخصاً بروید اوضاع دلخراش آن قسمت از نفوس پایتخت را که بدان اشاره کرده ام ببینید و پس از مشاهده احوال اسف اشتمال ما آنوقت جوابی چنانکه شایسته يك نخست وزیر آزاد و خیرخواه است به سئوالات شما بدهم».

(این پیام به زبان فرانسه - انگلیسی - فارسی را ماشین شده در سالن شهرداری به مخبرین تسلیم نمودم) روز ۳۰/۳/۳۰ مخبرین داخلی و خارجی در سالن جلسه خصوصی مجلس دعوت شدند و نخست وزیر قبلاً این مطالب را قرائت نمود.



مصاحبه مطبوعاتی نخست وزیر

در تاریخ ۳۰/۳/۳۰ با مخبرین جراید خارجی و داخلی

در این اوقات از طرف آقایان مخبرین جراید خارجی مکرراً از اینجانب سئوالاتی راجع به نفت و اوضاع عمومی مملکت می شد.

بسیار میل داشتم جواب سئوالات آقایان را جزء بجزء بدهم ولی از طرفی

اشتغال مستمر بکارهای مملکتی و از طرف دیگر بواسطه شباهت تامی که بین سئوالات بود به این فکر افتادم که جواب همه آقایان را یکجا در ضمن بیانیه‌ای بعرض برسانم.

ولسی چون دیدم تا آقایان مخبرین جرائد به اوضاع داخلی مخصوصاً فقر و بیچارگی بی نهایت مردم واقف نشوند درست پی به عرایض من نخواهند برد از آقایان خواهش کردم قبلابروند و به رأی العین وضع زندگانی محنت بار مردم این کشور را مشاهده کنند سپس مصاحبه بعمل آید.

آقایان محترم آنچه را در روز دوشنبه ملاحظه فرمودید نمونه‌ای از زندگانی اکثریت مردم این مملکت است بلکه می‌توانم عرض کنم که زندگانی مردم ولایات غالباً از این هم ناگوارتر و رقت بارتر است.

مردمی که نمونه‌ای از آنها را مشاهده کردید صاحب گنج نهفته‌ای هستند که ماری بر سر آن خفته و آنها را از استفاده از ذخائر سرشار آن محروم ساخته است. مردمی که قوت لایموت و سترعورت ندارند دارای ثروت بی پایانی هستند که صرف عیش و نوش بیگانگان می‌شود و خود آنها با فقر و بیماری و جهل دست بگریبان و در دریای مذلت و خواری غوطه‌ورند این وضع قابل دوام نیست زیرا صبر و بردباری هم حدی دارد و روزی که پیمانۀ صبر این مردم بدبخت پر شود تنها خدا می‌داند که شرق میانه و بالتبعجه دنیا به چه وضع هولناکی دچار خواهد شد. پس از این مقدمه به جواب سئوالات آقایان که دنباله طبیعی همین مقدمه است می‌پردازم.

برای نجات ملت ایران که بعقیده من مقدمه لازم برای نجات دنیا از جنگ سوم جهانیست باید به این اوضاع اسف بار خاتمه داد. اینجانب و همکاران من و رجال دلسوز مملکت چاره این بیچارگی‌ها را در فراهم آوردن سرمایه کافی و صرف آن در بهبود حال عموم و بالا بردن سطح زندگی مردم این مملکت می‌دانند.

سرمایه کافی به یکی از دوره ممکن است فراهم شود یا بوسیله قرضه از خارج و یا بوسیله عوائد ملی که مهمترین آنها عایدات سرشار نفت جنوب است.

اما از حیث استقراض خارجی تا کنون مذاکرات چندین ساله ما به نتیجه نرسیده است. و حال آنکه عایدات نفت مال ماست و احدی نمی تواند حق ما را انکار کند از عوائد نفت می توانیم تمام احتیاجات خود را رفع کنیم و به فقر و جهل و بیماری میلیونها مردم زحمتکش این مملکت خاتمه دهیم و بعلاوه با کوتاه کردن دست شرکت سابق نفت کانون انتریک و فساد و مداخله در امور داخلی ما بهم می خورد و ایادی شرکت سابق نفت که در تمام شئون ما مداخلات ناروایی کرد قطع خواهد شد و به این ترتیب استقلال اقتصادی و سیاسی ما تأمین خواهد گردید.

به این دلایل است که بعقیده ملیون ایران اول قدم در باب اصلاحات مملکت رفع شر عمال شرکت سابق نفت است که ملتی را فدای مطامع خود کرده اند. بعضی از آقایان در باب عکس العمل بعضی از دول در باب ملی شدن صنعت نفت سئوالاتی کرده اند.

شما آقایان محترم باید به ملل آزاد جهان اعلام کنید که آخرین سعی ملت ایران برای نجات خود و شرق میانه همین اقدام ملی یعنی مبارزه با مداخلات بیگانه که بزرگترین وسیله آن شرکت سابق نفت است می باشد و ملت ایران برای تسلط بر اوضاع سیاسی و اقتصادی خود ناچار است تا آخرین نفس برای اجراء قانون ملی شدن صنعت نفت یعنی قطع ایادی بیگانگان از ثروت ملی و استقلال سیاسی خود مبارزه کند. ملت ایران ابدوار است در این مبارزه مردانه که شایسته سابقه تاریخی و روح عظیم اوست بعون الله فاتح شود و اگر تقدیر الهی برخلاف این باشد آن روز است که دول غرب باید از شرق میانه حتی از شرق بطور کلی دست بشویند.

مقاومت شرکت سابق نفت در مقابل حق مسلم ملت ایران که جز منافع مادی خود چیزی نمی بیند امری طبیعی است ولی گفتگوهای دول دیگر که داعیه آزادی خواهی و طرفداری از حق و عدالت و حمایت از ملل آزاد دارند موجب نهایت تعجب

درصد مصادره کردن اموال کسی نبوده است.

دولت ایران عمل صنعت نفت را می‌خواهد خود بعهده گیرد و شرکت سابق نفت جز تحویل مال به صاحب مال چاره‌ای ندارد.

البته اگر شرکت سابق دعاوی حقه‌ای داشته باشد دولت و ملت ایران هیچ وقت از احقاق حق هیچکس روگردان نبوده و نخواهند بود و پس از رسیدگی حق هر کس را خواهند پرداخت و به همین دلیل است که در ماده دوم قانون اجراء قانون ملی شدن صنعت نفت برای دعاوی احتمالی شرکت ۲۵ درصد عایدات جاری نفت بعنوان وثیقه تعیین گردیده که در بانک مرضی الطرفین بودیه گذاشته شود.

دیگر اینکه ایادی شرکت نفت در دنیا انتشار داده‌اند که دولت ایران می‌خواهد مؤسسات نفت را من غیر حق اشغال کند و متخصصین را جواب گوید و ناچار به این ترتیب دستگاه نفت تعطیل یا متوقف خواهد شد این ادعا کذب محض و محض کذب است زیرا دولت ایران بانهایت حزم احتیاط به خلع ید شرکت نفت اقدام خواهد کرد و ابدأ اقدامی بعمل نخواهد آورد که در صنعت نفت کوچکترین وقفه‌ای حاصل شود و نیز در نظر ندارد متخصصین فنی را از شرکت بیرون کند.

بنابراین به هیچوجه به منافع حیاتی دولتی که از نفت جنوب استفاده می‌کنند لطمه‌ای وارد نخواهد آمد و اگر آنها خار راه مقاصد ملی ما نشوند همانطور که در ماده هفت قانون پیش‌بینی شده و من آن ماده را عیناً اینجا نقل می‌کنم:

«ماده ۷ - کلیه خریداران محصولات معادن انتزاعی از شرکت سابق نفت انگلیس و ایران هر مقدار نفتی را که از اول سال مسیحی ۱۹۴۸ تا تاریخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۹ (۲۰ مارس ۱۹۵۱) از آن شرکت سالیانه خریداری کرده‌اند می‌توانند از این به بعد هم به نرخ عادلانه بین‌المللی همان مقدار را سالیانه خریداری نمایند و برای مازاد آن مقادیر در صورت تساوی شرایط در خرید حق تقدم خواهند داشت.»

ملت ایران حقوق آنها را محفوظ خواهد داشت

یکی دیگر از شبهاتی که برای مشوب کردن ذهن مردم دنیا ایجاد کرده‌اند و

و تأسف است.

آقایان محترم انصاف دهید در چنین موقع خطیری که ملت مظلوم ایران مشغول مبارزه ایست که حیات و ملمات او بدان بستگی دارد آیا شایسته است دولت آزاد جهان حقوق چنین ملتی را که حق پرستی و آزادمندی او ثبت تواریخ عالم است از یاد ببرند؟ آیا سزاوار است حق ملتی که در همین چند سال پیش هنگام جنگ جهانی دوم از خود گذشتگی خود را بدنیای آزاد به ثبوت رسانده از دل و جان تمام هستی خود را برای برانداختن راه و رسم زورگویی و جبر و عنف در اختیار دولت آزادپخواه عالم گذاشت فراموش شود.

حقیقتاً از اظهار تعجب نمی توانم خودداری کنم که چطور دولتی که داعیه حمایت ملل آزاد را دارند قانون ملی شدن صنعت نفت یعنی قانونی را که ناشی از حق حاکمیت يك ملت است ندیده گرفته بجای اینکه به شرکت نفت توصیه کنند که در مقابل حق ملت ایران تسلیم شود تصویب قانون ملی شدن صنعتی که حق مسلم ایران است و دولت دیگر جهان از جمله دولت مکزیک و خود دولت انگلستان از آن حق در موارد مختلفه استفاده کرده اند امری بر خلاف اصول جلوه می دهند و می گویند مجلس ایران تعهد کرده است که فلان قرارداد را بهم نزنند نه مجلس ایران و نه هیچ مجلسی در دنیا نمی تواند حق قانونگذاری مجالس بعد را محدود کند.

مجلس ایران هیچ وقت تعهد نکرده و نمی تواند هم تعهد کند که حق وضع قوانین و مقرراتی را که به صلاح مملکت خود می داند و جزء حق حاکمیت ملت است از خود سلب کند.

ولی البته اگر قانونی وضع کرد که در نتیجه آن به اشخاص اعم از عادی یا اشخاص حقوقی خسارتی وارد شد بر طبق سیره تاریخی خود که همیشه طرفدار حق و عدالت بوده جبران آن خسارت را خواهد کرد.

مخالفین مخصوصاً عمال شرکت سابق نفت می خواهند در دنیا عمل ملی شدن صنعت نفت را بعنوان مصادره اموال غیر قلمداد کنند و حال آنکه هرگز دولت ایران

مکرر در آن بحث می‌شود چنانکه در فوق هم به آن اشاره کردم راجع بعمل یک جانبه دولت ایران در باب ملی کردن صنعت نفت است.

ملی کردن صنایع حق هرملتی است و عمل یک جانبه است و غیر از این هم نمی‌تواند باشد آیا انتظار داشتند که ملت ایران برای ملی کردن صنعت نفت خود از دولت دیگری کسب اجازه کند؟

این عمل چنانکه بارها گفته شده ناشی از حق حاکمیت ملت ایران است و این حق را هیچ قراردادی نمی‌تواند محدود کند.

این موضوع را همه مردم دنیا اذعان دارند ولی مخالفین مطلب را طور دیگر طرح می‌کنند یعنی بجای اینکه منصفانه حکم کنند که ملت ایران حق دارد صنایعی را که صلاح می‌داند ملی کند چنانکه بجای اینکه ملل دیگر هم کرده‌اند موضوع را معکوس جلوه می‌دهند و چنین وانمود می‌کنند که ملت ایران قرارداد شرکت سابق نفت را ملغی کرده است.

قطع نظر از اینکه آن قرارداد اکراهی و غیر نافذ و حتی باطل است دولت و ملت ایران اصلاً و ابداً در صحت یا بطلان آن قرارداد وارد نشده است که شرکت سابق نفت و دولت انگلیس بعنوان الغاء یک جانبه قرارداد قیل و قال در دنیا راه بیندازند.

مجلسین و دولت ایران در باب قرارداد تصمیمی نگرفته‌اند که شرکت سابق نفت بتواند آنرا بهانه تقاضای حکمیت قرار دهد حکمیت در صورتی که در باب بطلان یا عدم نفوذ قرارداد تصمیمی اتخاذ شده باشد و باز عرض می‌کنم نه مجلس و نه دولت ایران وارد موضوع قرارداد مطلقاً نشده و بنابراین شرکت نفت نمی‌تواند در خصوص قرارداد اظهاری بکند.

البته در نتیجه ملی شدن صنعت نفت شرکت سابق نفت جنوب منحل می‌شود ولی هر قراردادی اعم از قراردادهای حقوق خصوصی یا عمومی در معرض این نوع قوانین ناشیه از اعمال حق حاکمیت ملل هست و هیچ چیز نمی‌تواند از آن جلو گیری

کند و در این قبیل موارد که دولت بر طبق حق حاکمیت خود تصمیمی اتخاذ می کند تنها کاری که می شود کرد این است که از چنان دولتی خسارت بخواهند و دولت ایران رسیدگی به خسارات را خود قانوناً پیش بینی کرده است.

خلاصه فعلاً قرارداد مخدوش و باطل ۱۹۳۳ موضوع سخن ما نیست و هر مطلبی که در باب آن بگویند بی مورد است.

در خاتمه همانطور که از شما آقایان تقاضا کردم بروید اوضاع مردم این مملکت را از نزدیک ببینید. از آزاد مردان جهان نیز دعوت می کنم که برای دیدن وضع رقت بار مردم ایران به این مملکت بیایند و نتیجه نیم قرن سیاست شوم استعماری شرکت سابق نفت را به رأی العین در این مملکت مشاهده کنند زیرا از دیدن اوضاع زندگانی مردم این مملکت بعلت بغض و عداوت ملت ایران نسبت به شرکت سابق نفت پی خواهند برد و به وضوح خواهند دید که اگر حال بر همین منوال بماند و دولت انگلیس یا هر دولت دیگری به بهانه های بی اساس بخواهد در ابقاء شرکت سابق نفت پافشاری کند و زر و وبال آن قریباً دامن گیر دنیای آزاد خواهد شد و هیچ قدرتی دیگر نخواهد توانست جلوسیل حوادثی را که زمینه بروز آن کاملاً مهیاست بگیرد. ملل آزاد جهان ملت ایران را در این مبارزه مقدس باید یاری کند زیرا کمک آنها نه فقط از سقوط یکی از کهن سالترین ملل عالم جلوگیری خواهد کرد بلکه با بقاء این ملت ممکن است که سرنوشت عالم عوض شود و تمدن غرب از خطر اضمحلال نجات یابد.»